

واکاوی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه با مدل داده بنیاد

روح اله اسدی*

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

حائیه لقایا

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

چکیده

دانشگاه‌های کارآفرین به‌عنوان نسل سوم باهدف تربیت نیروهای انسانی کارآفرین و ارتباط با صنعت در نیمه دوم قرن بیستم پا به عرصه ظهور گذاشتند و بسترسازی جهت اشتغال دانشجویان از رسالت‌های مهم دانشگاه‌ها به‌شمار می‌آید. با توجه به انتقادهایی که از عدم کارایی لازم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از جمله جغرافیا در شرایط واقعی اشتغال و هم‌راستا نبودن پژوهش‌های جغرافیایی با نیازهای جامعه و احساس شکافی که در این مورد اظهار می‌شود، هدف این پژوهش بررسی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه تعیین شد. لذا با استفاده از مدل‌های داده بنیاد و تریپل هلیکس این هدف دنبال شد. ضمن مصاحبه با ۳۰ تن از اساتید، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان شاغل رشته جغرافیا و کدگذاری آن‌ها و در نظر گرفتن عناصر مدل پارادایمی (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها)، مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها به هر یک از این شرایط متناسب و تشریح شد. نتایج نشان داد که از بین ۹۴ مفهوم شناسایی شده در مصاحبه‌ها، در مراحل مختلف کدگذاری، به ۳۲ مقوله و درنهایت به ۱۰ مقوله اصلی کاهش یافت. مقوله مرکزی یا هسته، به‌عنوان «کالایی شدن دانش» شناسایی گردید. کالایی شدن دانش و دانشگاه، در کنار فرایندهای افزایش دهنده تقاضای آموزش و مدرک‌گرایی در جامعه، کمیت‌گرایی را تقویت می‌کند. هم‌چنین عوامل مداخله‌گر و زمینه‌سازی همچون جایگاه نامناسب جغرافیا در ساختار استخدامی کشور، عدم اعتماد و اعتقاد به پژوهش در حوزه اجرایی، به‌روز نبودن سرفصل‌ها، ضعف آموزش و مهارت‌آموزی دانشجویان جغرافیا، باعث کاهش کیفی جریان آموزش و ضعف بازار کار رشته جغرافیا، باعث اقبال بیشتر بخش‌های دولتی و غیردولتی به رشته‌های هم‌جوار با جغرافیا شده است.

واژگان کلیدی: جغرافیای دانشگاهی، نیازهای جامعه، مدل داده بنیاد، مدل تریپل هلیکس.

مقدمه

دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای اجتماعی با هدف اشاعه دانش اثرات بسزایی بر دنیای بیرونی ساختار آکادمیک دارند (Etzkowitz, 2000). وجود برنامه‌های نوین در دانشگاه‌ها، متناسب با نیازهای جامعه، باعث تغییر سطح زندگی و افزایش روند توقعات مردم جامعه می‌شود، هم‌چنین بر اثر پیامدهای آموزش افراد در ابعاد مختلف منجر به بهبود کیفیت و ارتقاء استانداردها در سطوح زندگی افراد جامعه می‌شود. از سوی دیگر با در نظر گرفتن این عامل که اعتبارات دانشگاه‌ها توسط دولت تأمین می‌شود (انتظاری، ۱۳۹۵)، وجود نظارت، همکاری، تفاهم، تعامل در بین دانشگاه‌ها و دولت زمینه‌ساز برقراری پیوند بین قلمرو دانشگاهی، دولت می‌شود. دانشگاه، جامعه می‌تواند از طریق جذب سرمایه و زیرساخت‌های لازم که با حضور دولت میسر می‌شود در عرصه‌های تولید علم، ارتقاء پژوهش‌ها، اختراعات و فناوری اثرات مثبتی به وجود آورند (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۱۰۹). زیرا رشته‌های مختلف دانشگاهی در ایران با مشکلات عمومی مواجه هستند، از جمله این مشکلات که در بررسی منابع به آن اشاره شده عبارت است از: مشکلات ساختاری (سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی کشور)، نظام نادرست پذیرش دانشجو و جذب هیئت‌علمی، تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نیازهای آتی بازار کار، عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ‌التحصیل شدن، ضعف فرهنگ کار، رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی، کم بودن تعداد کارآفرینان، کم‌توجهی مراکز صنعتی، جامعه به بهره‌برداری از نتایج تحقیقات دانشگاهی (کیانی‌طالقانی و همکاران، ۱۳۹۸، فاضل و همکاران، ۱۳۸۹، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۴، جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۸۴، مهدوی مزدی، ۱۳۹۲). بدیهی است نیازهای جامعه به سرعت تغییر پیدا می‌کند و چالش‌ها، نارسایی‌هایی را به وجود می‌آورد که در شکلی فراگیر به همه سطوح علمی می‌تواند منتقل شود. با کنکاش دقیق مسئله می‌توان از بروز شکاف‌های بسیاری که در بین برخی علوم، نیازهای جامعه به وجود آمده است پیشگیری نمود. از جمله این علوم که در طی چند دهه اخیر در ایران دچار معضلات بسیاری شده، علم جغرافیا می‌باشد. از آنجایی که جغرافیا هم دچار دگردیسی‌های مختلفی در محافل دانشگاهی شده و معنای امروز آن نسبت به گذشته تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است لذا با توجه به مسائل روز جامعه مطالعه پدیده‌های جغرافیایی از نگاه سیستم، ساختار دچار نارسایی‌های فراوانی شده است (Rhodes, 2004: 102). جغرافی‌دانان توانایی کار بر روی طیف وسیعی از تحقیقات کاربردی را دارند. علاوه بر یادگیری «درباره» جغرافیا، «از طریق» جغرافیا نیز یاد می‌گیرند. توجه به مهارت‌ها باعث تسهیل عملکرد تحصیلی، آینده شغلی و کمک به جامعه به صورت گسترده‌تر می‌شود (آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی، ۱۳۹۸). این در حالی است که هم در محافل دانشگاهی و هم در بخش‌های مختلف جامعه به‌ویژه در حوزه اجرایی، از ضعف یا عدم کارآمدی فارغ‌التحصیلان جغرافیا (حداقل در بدو اشتغال) در حوزه‌های مرتبط با رشته تحصیلی آن‌ها حکایت می‌شود. ولی به نظر می‌رسد، شکافی بین جغرافیایی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود با نیازهای جامعه وجود دارد. از این‌رو هدف اصلی این پژوهش بررسی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی

و نیازهای جامعه است. در این راستا تلاش شده است با استفاده از مدل داده بنیاد، و با تکیه بر مدل تریپل هلیکس، شکاف‌های موجود بین سه ضلع دانشگاه، جامعه، دولت و چرایی فاصله بین علم جغرافیا در دانشگاه‌ها و نیازهای جامعه مشخص شود و راه‌حلی برای رفع شکاف‌ها و چالش‌ها پیشنهاد شده است.

مبانی نظری

مدل تریپل هلیکس

الگوی ماریچ سه‌جانبه (مدل تریپل هلیکس) در سال ۱۹۹۶ توسط اترکویتز و لیدسدروف جهت توصیف، تبیین تعاملات و همکاری بین سه ارکان دانشگاه، جامعه، دولت به وجود آمده است. بر اساس مقایسه با رویکرد سیستم نوآوری (نظام‌های ملی نوآوری لوندوال (۱۹۹۲)، ادکوئیست (۱۹۹۷)، سیستم نوآوری منطقه‌ای (Cooke et al, 1997)، این مدل به بررسی تعاملات نهادهای مختلف مرتبط با نوآوری می‌پردازد و تعامل بین سه رکن اصلی را برجسته‌تر می‌کند. برخلاف الگوهای خطی در دهه ۶۰ و ۷۰ که اغلب یک‌سویه بودند و ارتباطات و بازخوردهای متعدد را در نظر نمی‌گرفتند، این مدل بر تعاملات، کنش متقابل تأکید بسیار دارد. نقش، مأموریت و روابط بین این سه نهاد، شبکه سه‌جانبه‌ای را به وجود آورده است که یکی از مدل‌های رایج در تشریح روابط عناصر اصلی نظام نوآوری ملی را به وجود آورده است (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۹۰).

در این مدل دانشگاه علاوه بر آموزش و پژوهش عناصر دیگری برای افزایش سطح فعالیت‌های افراد به وجود می‌آورد و جهت‌دهی نوینی برای ساماندهی طرح‌های مسئله محور در نظر می‌گیرد و سبب خلق، انتشار دانش جدید می‌شود. در نهایت تمامی نیازهای جامعه بر اساس تخصص افراد دانشگاهی رفع می‌گردد، ضمن آنکه نیاز است دولت با سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری، دانش، خدمات امکانات لازم را فراهم آورد. بدین ترتیب نظام نوآوری از پویایی بیشتری برخوردار می‌گردد. از دیدگاه رانگا، اترکویتزی روابط بین اجزاء ترکیبی از تعاملات تضادها، همکاری و انتقال فناوری، رهبری مشارکتی، شبکه‌یابی مناسب است (Parshakov et al, 2018). این دیدگاه در یک چارچوب مشخص نظام‌مند بین بازیگران این سه هرم می‌تواند با نمایش جزئیات باعث گردش جریان دانش، منابع در درون و میان فضاها، کمک‌های شایانی را انجام دهد و کاستی یا شکاف‌های موجود را شناسایی، بررسی نماید. این الگو بر اساس تعامل، پویایی این سه نهاد اساسی بنا شده است و کارایی آن، با به انجام رساندن پژوهش‌های متعدد مفهومی و کاربردی در جوامع مختلف، در مسیر توسعه پایدار و نیل به اهداف اقتصاد دانشی و جامعه دانش‌بنیان ثابت شده است (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

ارتباط دانشگاه، جامعه و دولت بر اساس مدل تریپل هلیکس:

از هشت قرن پیش تاکنون دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادی وابسته به دولت بوده‌اند که تأسیس شده‌اند و وظیفه اصلی آن‌ها آموزش بوده است (Jimoh & Doanlami, 2012). نتیجه راه‌اندازی دانشگاه‌ها، تربیت نیروی انسانی ماهر در ابعاد مختلف با استفاده از بودجه دولتی بوده است. بعد از انقلاب علمی در اواخر قرن ۱۹ با توصیف پژوهش به‌عنوان رسالت اصلی

دانشگاه‌ها شروع شد. و بعد از انقلاب دوم نیز که در پایان جنگ سرد در حال ظهور بوده است؛ نقش دانشگاه بر توسعه اقتصادی تأکید داشته است. سومین نقش برای ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری با ریسک بالا است از طریق آن مشارکت بر اساس فناوری، مسئولیت اجتماعی در عملکرد دانشگاه گنجانده شده است و در مجموع مأموریت دانشگاه‌های مدرن به سه شکل آموزش، پژوهش، مشارکت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور با توجه به نیازهای جامعه تعریف می‌شود (امیری فرح‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

مراکز دانشگاهی با خلق دانش، تکنولوژی، زمینه‌ساز افزایش پژوهش‌های بنیادی قوی و تقویت زیربنای دانش بومی می‌شوند، و اگر سطح کشوری از نظر دانش بومی ضعیف باشد احتمال شکست آن در سطح ملی و نوآوری بسیار زیاد است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش علمی در مؤسسات علمی تحقیق، توسعه در ارتقاء سطح استاندارد زیستی انسان‌ها اشتغال و بالابردن نرخ بهداشت و سلامت، تأمین امنیت، تعاملات اجتماعی نقش مهمی دارند که جز نیازهای اصلی جامعه محسوب می‌شود و دولت همیشه در تکاپو بوده تا با بالابردن توان نوآوری و ایجاد زمینه‌های مناسب امکان جذب نخبگان علمی و افراد خلاق وجود داشته باشد؛ زیرا دولت به‌عنوان متصدی کلان کشور باید فضای مناسبی در کشور ایجاد کند. دولت باید برای ایجاد ارتباط بین دانشگاه، جامعه با ایجاد مقررات، تخصیص بهینه منابع و تغییر ساختار انگیزه‌های لازم، کافی را برای نزدیکی دو نهاد به وجود آورد (دای، ۲۰۱۶: ۲۱). و همکاری مؤثر در بین دانشگاه جامعه با نهادینه کردن این تعامل، نیازمند نظارت، مداخله هوشمندانه دولت است. این مشارکت و تعامل صرفاً دانشگاه را شامل نشده است بلکه در راستای بهبود، ارتقاء وضعیت کلی نهادهای سیاست‌گذاری مانند انجمن‌های علمی و پژوهشی، کمیسیون‌های برنامه‌ریزی مجلس، نهادهای واسط، دفاتر ارتباطی، دانشگاه و مراکز پژوهشی است (حاتمی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲). دولت باید با تأسیس نهادهایی در جهت کارایی، نهادینه کردن این ارتباط سه‌گانه در تکاپو باشد. دولت از راه انتقال منابع بخش عمومی به سوی پژوهش‌های دانشگاهی، مراکز دانشگاهی، ایجاد انگیزه از راه مالیات یارانه، ایجاد زیرساخت‌های مناسب نقش محوری در جهت همکاری نهادها با هم در نظر بگیرد. دولت با ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط به تحقیق و توسعه، سیاست‌گذاری مرتبط با نیازهای جامعه و تخصیص مناسب بودجه‌های عمومی به پژوهش در دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی باید زمینه همکاری بین جامعه، دانشگاه را فراهم نماید. ولی از آنجایی که این روند در کشور ما به دلیل عدم مشارکت درست نهادهای تولیدکننده دانش و حضور دولت باعث می‌شود که تعاملات به‌خوبی صورت نگیرد و سطوح مختلف علمی در دانشگاه‌ها در سطح کاربردی ضعیف باقی بماند و نتوانند در حل مشکلات روزمره جامعه به‌درستی عمل کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

دانشگاه‌های نسل اول تا نسل سوم

نقش اساسی دانشگاه‌ها در تربیت نیروی کار متخصص موجب شده است در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، به تغییر و تحولات اساسی در دانشگاه‌ها پردازند. در ابتدا دانشگاه‌ها آموزش محور بودند که آن‌ها را

دانشگاه‌های نسل اول می‌نامند. هدف این دانشگاه‌ها، آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص بود. پس‌از آن، انقلاب آکادمیک نخست در اواخر قرن ۱۹ در کشور آلمان روی داد که طی آن دانشگاه‌های پژوهش محور به‌عنوان نسل دوم دانشگاه‌ها معرفی شدند. این دانشگاه‌ها در پژوهش و تولید علم نقش داشتند. سپس، انقلاب آکادمیک دوم در نیمه دوم قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، که طی آن دانشگاه‌های کارآفرین به‌عنوان نسل سوم با هدف تربیت نیروهای انسانی کارآفرین و ارتباط با صنعت پا به عرصه ظهور گذاشتند. یونسکو در چشم‌انداز آموزش عالی برای قرن ۲۱، دانشگاه‌های نوین یا نسل سوم را این‌گونه توصیف کرده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی در آموزش عالی به منظور بهبود قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان در جهت تبدیل شدن به کارآفرینان توسعه می‌یابند.^۱ در کشور ما بیشتر دانشگاه‌ها در نسل اول و تعداد محدودی از آن‌ها در نسل دوم به سر می‌برند و هنوز نسل سوم دانشگاه‌ها در ایران به‌طور جدی مطرح نشده است. برای همین است که بسیاری از دانش‌آموختگان به دلیل نداشتن مهارت‌های کارآفرینی و فنی لازم در بازار کار توفیق چندانی نمی‌یابند و بیکار می‌مانند (دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۳).

پیشینه تحقیق

در این بخش چند نمونه از پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع این مقاله، در تحقیقات خارجی و داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد: هنری اتزکوویتز (۲۰۰۰) در مقاله ماریچ سه‌گانه دانشگاه، صنعت، پیامدهای دولت برای سیاست و ارزیابی در ایالات متحده قوی‌ترین سیاست صنعتی در جهان را دارد، ایالات متحده از پایین به بالا، از پهلو، متقاطع و هم‌چنین از بالا به پایین عمل می‌کند، هرچند به‌صورت غیرمستقیم و پنهان. اروپا راه طولانی برای رسیدن به آمریکا در پیش دارد، زیرا این کشور تنها بر برخی حوزه‌های محدود مداخله، عمدتاً از بالا به پایین تأکید کرده است در اروپا، ایالات متحده، آمریکای لاتین و آسیا، مسائل مربوط به انتقال دانش، فناوری در خط مقدم سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی قرار گرفته است. رویکرد سیستم‌های ملی نوآوری (NSI) به‌ویژه برای تحلیل پدیده‌های محدود، در داخل کشورها یا شرکت‌های منفرد مناسب است. هم‌چنین رازک و سعد^۱ (۲۰۰۷) در مقاله نقش دانشگاه‌های مالزی در تکامل فرهنگ شبکه نوآوری در ماریچ سه‌جانبه با استفاده از رویکرد کیفی و موردپژوهی به بررسی نقش دانشگاه، دولت و صنعت با تأکید بر نقش دانشگاه در توسعه نوآوری مالزی پرداخته‌اند، درنهایت بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده موانع شناسایی شده و پیشنهادهایی برای تقویت روابط ارکان ماریچ سه‌جانبه در این کشور ارائه شده است. فارینها و همکاران^۲ (۲۰۱۴) در مقاله شبکه‌های نوآوری و رقابت‌پذیری مدل ماریچ سه‌گانه مورد مطالعه: پرتغال با مورد کاوی در پرتغال، به بررسی زمینه‌های بهبود انتقال دانش و فناوری در تعامل مراکز دانشگاهی با تمرکز بر شبکه‌های نوآوری با نگرش بر تعاملات ارکان ماریچ اقدام نموده‌اند. در این پژوهش بیشتر بر جنبه ساخت شبکه نوآوری و ماریچ سه‌جانبه تأکید شده

1- Razek and Saad

2- Farinha and Hamkaran

است. فراستخواه (۱۳۹۱) در مقاله آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ مدلی برآمده از نظریه داده بنیاد، بیان می‌کند که در «جامعه دانش» کیفیت آموزش عالی و نظام علمی به مسئله‌ای راهبردی برای بقا و توسعه و حاکمیت سرزمینی ملت‌ها بدل شده است و بدون آن امکان اداره خوب کشور فراهم نمی‌آید. آینده‌اندیشی کیفیت در آموزش عالی ایران نیاز به مدلی دارد که بر اساس آن امکان پایش کیفیت فراهم شود. روش نظریه مبنایی یا نظریه برخاسته از داده به ما کمک می‌کند تا این مدل را از ساختار درونی ارزش‌ها، نگرش‌ها، تجربه‌های زیسته کنشگران، ذینفعان نظام علمی ایران، شرایط و موقعیت خاص این جامعه درک کنیم. پرداختچی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله شکاف پاسخگویی بیرونی از دیدگاه جامعه علمی، با هدف بررسی شکاف بیرونی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه جامعه علمی دانشگاه‌های مادر دولتی در شهر تهران، با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته در سطح یک نمونه آماری شامل ۳۵۰ نفر از اعضای هیات علمی، پژوهشگران و دانشجویان دکتری از سه دانشگاه مادر دولتی تهران، شهید بهشتی صنعتی شریف که به شکل تصادفی انتخاب شدند به بررسی می‌پردازند. تحلیل داده‌ها نشان داد از دیدگاه جامعه علمی میزان پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌های مادر دولتی به ذینفعان بیرونی کلیدی ضعیف است و اختلاف معناداری بین وضعیت آرمانی و وضعیت موجود پاسخگویی بیرونی وجود دارد. بیش‌ترین میزان این شکاف به ترتیب در ارتباط با پاسخگویی دانشگاه به ذینفعان بازار کار، جامعه علمی، جامعه مدنی است. درحالی‌که پاسخگویی به دولت بیش‌از حد انتظار است. در نتیجه دانشگاه‌های دولتی باید از یک سو شکاف پاسخگویی بیرونی به بازار کار، جامعه علمی و جامعه مدنی را پر کنند، از سوی دیگر با اتخاذ سیاست‌ها، تدابیر عملی مؤثری از وابستگی بیش‌از حد خود به دولت بکاهند. نتایج مقاله صادقی (۱۳۹۳) با عنوان آسیب‌شناسی فلسفی دانش جغرافیا (درنگی در پژوهش‌های شهری) نشان می‌دهد که هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی جغرافیا به ترتیب دچار سه آسیب شده است: ۱- فضای جغرافیایی به فضای عینی فرو کاسته شده است و فضای ذهنی، فضای زندگی نادیده گرفته شده‌اند ۲- جغرافیا بر فلسفه تحلیلی تکیه‌بر در شناخت فضا تنها به حس، تجربه، خرد، استدلال بسنده کرده است، از فلسفه هرمنوتیک و از زبان که نقش کارایی در شناخت فضای زندگی دارد تهی دست مانده است؛ ۳- جغرافیا تنها بر روش تجربی، تحلیلی پافشاری کرده و از روش هرمنوتیکی که در آن انسان‌ها مانند سوژه در نظر گرفته می‌شوند نه ابژه بی‌بهره مانده است. هم‌چنین فتح‌اللهی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی به بررسی مقایسه‌ای تغییرات ساختاری، کارکردی استقلال نظام دانشگاهی در برنامه‌های پنج‌ساله بخش آموزش عالی پس از انقلاب اسلامی پرداخته شده است. نتایج بیانگر این است که در حالت کلی و با نگاهی به سیر تغییرات ساختاری (مدل-های حکمرانی آموزش عالی)، کارکردی استقلال دانشگاهی در طول پنج برنامه توسعه، ملاحظه می‌شود که یک تغییر در جهت‌گیری، نگرش برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران کشور از مدل‌های حکمرانی دولت‌گرا به مدل‌های حکمرانی و بازارمحور ایجاد شده که به تبع این تغییر نگرش، میزان توجه به برخی از کارکردهای استقلال دانشگاهی در طی برنامه-

های سوم، چهارم، پنجم توسعه، بیش از سایر برنامه‌ها بوده است. همین رابطه مثبت نشان‌دهنده تعامل بین ابعاد ساختاری، کارکردی استقلال دانشگاه در طی برنامه‌های توسعه است. مقاله رضانی (۱۳۹۵) با عنوان مشکلات کنونی دانشگاه‌ها و نظام توسعه علمی کشور دارای دو بخش است. در بخش نخست به مشکلات دانشگاه‌های جهان می‌پردازد. در بخش دوم، مدل نظام توسعه علمی کشور به اجمال ارائه و بحث می‌شود. ضرغامی (۱۳۹۷) در مقاله مروری بر الگوهای توسعه روابط دانشگاه، صنعت و دولت در جهت ارتقای نوآوری، با مروری بر الگوهای توسعه روابط دانشگاه، صنعت، دولت در جهت ارتقای نوآوری ضمن بررسی پژوهش‌های معتبر ملی و بین‌المللی، تلاش شده است که با پرداختن به مفاهیم اصلی و سیر تاریخی موضوع پژوهش زمینه‌آشنایی بیشتر پژوهشگران حوزه سیاست علم، فناوری، نوآوری با این مقولات فراهم شود. ابتدا گونه‌های مختلف مارپیچ سه‌گانه چهارگانه، پنج‌گانه تبیین شده و علاوه بر معرفی پژوهش‌هایی شاخص از آستانه مباحث، ادبیات پژوهشی در این حوزه گزارشی به‌دست‌آمده است. از آنجاکه در حوزه مطالعات تریپل هلیکس دو رویکرد کمی و کیفی مدنظر قرار گرفته است؛ از همین‌رو نظر به وجود منابع کافی برای یادگیری رویکردهای کمی، محاسباتی این حوزه در پژوهش حاضر بر توصیف پژوهش‌ها، مطالعات کیفی تمرکز شده و در پایان پیشنهادهایی برای پژوهشگران ارائه شده است. در مقاله سقایی (۱۳۸۵) بانام آسیب‌های علم جغرافیا در ایران (مطالعه موردی: گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی) لایه‌های شکل‌دهنده علم جغرافیا در ایران و وضعیت آن در حالت کلی بررسی می‌شود؛ و با توجه به مطالعه موردی این علم در جهت کنش‌پذیری گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد به مانند یک متن مورد واکاری قرار گرفته تا آسیب‌شناسی گردد. در این بین با بررسی‌های انجام‌گرفته در زمینه مطالعه موردی آسیب‌شناسی علم جغرافیا برای تبیین آنچه «فنودالیسم جغرافیایی» نامیده می‌شود به‌عنوان بزرگ‌ترین آسیبی که این علم را تهدید می‌کند، انجام‌گرفته و راهکارهای تجدید ساختار بهینه علم جغرافیا در ایران بیان گردیده است.

پیشینه بررسی شده نشان می‌دهد که عمدتاً مطالعات صورت گرفته، با محورهایی همچون: مدل نظام توسعه علمی کشور؛ الگوهای توسعه روابط دانشگاه، صنعت و دولت در جهت ارتقای نوآوری؛ زمینه‌های بهبود انتقال دانش و فناوری در تعامل مراکز دانشگاهی با تمرکز بر شبکه‌های نوآوری؛ و بررسی تغییرات ساختاری - کارکردی استقلال نظام دانشگاهی در برنامه‌های پنج‌ساله انجام شده است؛ و تنها مواردی چند به موضوع این مقاله نزدیک است که نتایج آن‌ها نشان از شکاف در ارتباط با پاسخگویی دانشگاه به ذینفعان بازار کار به‌صورت کلی است. به‌صورت خاص تنها دو مقاله در ارتباط با حوزه جغرافیا یکی از منظر آسیب‌شناسی فلسفی دانش جغرافیا و دیگری با موضوع آسیب‌های علم جغرافیا در ایران به ذکر مهم‌ترین مسائل جغرافیا در ایران پرداخته‌اند. با این حال پژوهش ویژه‌ای که علل شکاف جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه را بررسی نماید، انجام نشده و جنبه نوآوری این مقاله همین است که این موضوع را در مرکز توجه خود قرار داده و با محوریت بررسی این شکاف، تلاش می‌کند علل ریشه‌ای آن را نیز تبیین نماید.

روش تحقیق

رویکرد این پژوهش از نوع کیفی استقرایی، مبتنی بر نظریه داده بنیاد یا زمینه‌ای است. نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، پژوهشگر، کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود. از آنجاکه نظریه‌های زمینه‌ای به سبب آنکه از داده‌ها بیرون کشیده می‌شوند، بیشتر می‌توانند بصیرت افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل باشند (Strauss & Carbine, 2007). جامعه آماری شامل اساتید، دانشجویان، فارغ‌التحصیلان رشته جغرافیا بوده‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت مصاحبه و شامل ۳۰ مصاحبه با استادان و فارغ‌التحصیلان جغرافیا در شهر مشهد می‌باشد. ملاک نمونه‌گیری، اشباع نظری و انتخاب نمونه‌ها تا آنجایی ادامه یافته است که مطالب مصاحبه‌شوندگان تکراری بوده و داده‌های اضافی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری کمکی نکرده و مصاحبه‌ها مشابه به نظر رسیدند، لذا مصاحبه‌ها تا مصاحبه ۳۰ ادامه یافت. شکل ۱ مدل تحلیلی و جدول ۲ مشخصات کلی نمونه آماری را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

Figure 1: Analytical model of research

جدول ۱. مشخصات نمونه آماری

Table1: Characteristics of the Statistical Sample

تعداد افراد مصاحبه شده	سازمانها
۵	آستان قدس
۱۴	شهرداری مشهد
۸	اساتید دانشگاه فردوسی مشهد
۳	پژوهشگر و فارغ التحصیل رشته جغرافیا
۳۰	مجموع

مآخذ: یافته‌های پژوهش

مصاحبه با تمرکز بر این پرسش‌ها بوده است که آیا شکافی بین جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه وجود دارد یا خیر؟ اگر آری، چه شکاف‌ها یا چالش‌هایی وجود دارد و دلایل آن چیست؟ پس از پایان فرایند مصاحبه، بر مبنای روش در نظر گرفته شده، داده‌ها در سه مرحله و به صورت جداگانه توسط نویسندگان مقاله کدگذاری گردید و از نظر دقت در گزینش مفاهیم و مقوله‌ها صحت سنجی شد. در کدگذاری اولیه ۹۴ مفهوم شناسایی شد که پس از حذف اشتراکات و تجمیع آن‌ها، به ۳۲ مفهوم در مرحله کدگذاری باز خلاصه شد. کدگذاری باز، فرایندی تحلیلی است که با آن مفاهیم‌ها شناسایی و ویژگی‌ها، ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شود. این ۳۲ مفهوم در کدگذاری محوری، که فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است، به ۱۰ مقوله کاهش یافت، در نهایت به یک مقوله مرکزی تبدیل شده و خط داستان با تحلیل مقوله‌ها بر مبنای مقوله مرکزی در کدگذاری گزینشی شکل گرفت. مرحله کدگذاری گزینشی در واقع، یکپارچه کردن، پالایش نظریه است. در یکپارچه سازی، مقوله‌ها در حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح دهندگی دارد، مرتب می‌شوند و در مرحله کدگذاری محوری، تلاش می‌شود با در نظر گرفتن شرایط پنج‌گانه زیر در رابطه با پدیده مورد مطالعه، مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها به هر یک از این شرایط منتسب، تشریح شود. شرایط علی، عوامل و شرایط پیدایش پدیده اصلی یا محوری است. شرایط زمینه‌ای، زمینه یا بستر حاکمی است که شرایط علی در آن بر پدیده اصلی اثر می‌گذارد. زیرا شرایط مداخله‌گر، عوامل عمومی و محیطی تعدیل‌کننده اثر شرایط علی، زمینه‌ای بر روی پدیده اصلی هستند. راهبردها یا عمل، تعامل‌ها، کنش و واکنش‌ها برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر باهدف، دلیلی مشخص می‌باشند. و پیامدها، آثار، نتایج حاصل از شرایط علی، اتخاذ راهبردها هستند (قاسمی، ۱۴۰۰: ۲۶۲).

یافته‌ها

همان‌گونه که در بخش روش تحقیق گفته شد، داده‌های گردآوری شده از ۳۰ مصاحبه انجام شده، در سه مرحله کدگذاری شد. از بین ۹۴ مفهومی که در مرحله کدگذاری اولیه شناسایی شد، همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در مرحله کدگذاری باز ۳۲ مفهوم و در مرحله کدگذاری محوری ۱۰ مفهوم یا مقوله استخراج گردید. مقوله‌های شناسایی شده در این مرحله عبارت است از: به روز نبودن و عدم تناسب سرفصل‌های درسی با نیازهای جامعه، جایگاه نامناسب رشته

جغرافیا در ساختار اداری و استخدامی و نیز نگاه غیرمثبت به تخصص جغرافیدانان، ضعف آموزش‌های دانشگاهی در مهارت‌افزایی دانشجویان رشته جغرافیا، تمرکزگرایی و ضعف قوانین در فعالیتهای دانشگاهی به‌ویژه در زمینه تبدیل وضعیت و ارتقاء اساتید، ضعف ارتباطات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و سازمان‌ها، مشکلات اقتصادی و ضعف‌های زیرساختی در راستای جهت‌دهی دانشگاه‌ها به‌سوی نیازهای جامعه، شرایط نامساعد اشتغال و تمایل بیشتر افراد جهت اشتغال در سازمان‌های دولتی، عدم سیاست‌گذاری‌های پایدار دولت در راستای نیازهای جامعه و اعمال سلیقه شخصی مدیران، غلبه پوزیتیویسم در مطالعات جغرافیایی، کالایی شدن دانش.

جدول ۲. کدگذاری یافته‌های حاصل از مصاحبه

Table2: Coding of interview findings

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
کالایی شدن دانش	بروز نبودن و عدم تناسب سرفصل‌های درسی با نیازهای جامعه	به‌روز نبودن سرفصل‌ها، عدم تناسب واحدهای درسی با نیازهای جامعه، عدم سنخیت منابع دانشگاهی با شرایط کشور و مقلدانه بودن آن‌ها، منابع درسی قدیمی، عدم آگاهی جغرافیدانان و استادان از اولویت‌های جامعه
	جایگاه نامناسب رشته جغرافیا در ساختار اداری و استخدامی و نیز نگاه غیرمثبت به تخصص جغرافیدانان	عدم جایگاه مناسب رشته جغرافیا در ساختار اداری و استخدامی، عدم مشخص بودن ماهیت جغرافیا برای جامعه و جذب بهتر علوم هم‌جوار جغرافیا در بازار کار، فقدان جایگاه واقعی این رشته در سطح ملی، نبود انسجام در بین بزرگان و اساتید، فارغ‌التحصیلان این رشته، عدم اعتماد به تحقیقات دانشگاهی و نگاه غیرمثبت سازمان‌ها به رشته جغرافیا و تخصص جغرافیدانان
	ضعف آموزش‌های دانشگاهی در مهارت‌افزایی دانشجویان رشته جغرافیا	فقدان سفرهای علمی جهت درک بهتر دانشجویان، ضعف کار تیمی، ضعف آموزش‌های دانشگاهی در مهارت‌افزایی، ضعف دانشجویان در مهارت‌های نرم‌افزاری و تجزیه و تحلیل آماری، عدم تخصصی شدن مباحث و کمبود دروس عملی دانشگاهی بخصوص در دوره تحصیلات تکمیلی
	تمرکزگرایی و ضعف قوانین در فعالیتهای دانشگاهی به‌ویژه در زمینه تبدیل وضعیت و ارتقاء اساتید	ضعف قوانین ساختاری بالادستی فعالیتهای دانشگاهی، قوانین و ضوابط ارتقا و امتیاز در وزارت علوم و رواج مقاله-گرایی، وجود نظام متمرکز از سوی دولت جهت استخدام اساتید و نگاه بالا به پایین دولت برای کنترل دانشگاه‌ها
	ضعف ارتباطات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و سازمان‌ها	ضعف ارتباط سازمان‌ها و دانشگاهیان، ضعف آموزش در تعامل با سازمان‌ها برای نزدیک کردن مباحث به حوزه عمل سازمان‌ها
	مشکلات اقتصادی و ضعف‌های زیرساختی در راستای جهت‌دهی دانشگاه‌ها به‌سوی نیازهای جامعه	ضعف زیرساخت‌ها و کمبود پروژه‌های سازمانی، تفاوت ماهیت علمی دانشگاه‌ها با انتظارات سازمان‌ها، تحولات سریع اقتصادی و تفاوت شرایط زیست در جامعه، هزینه‌بر بودن استفاده از نتایج پژوهش‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی
	شرایط نامساعد اشتغال و تمایل بیشتر افراد جهت اشتغال در سازمان‌های دولتی	شرایط نامساعد اشتغال در این رشته، تمایل افراد به اشتغال در سازمان‌های دولتی و کسب مشاغل اداری است
	عدم سیاست‌گذاری‌های پایدار دولت در راستای نیازهای جامعه و اعمال سلیقه شخصی مدیران	اجرای سلیقه‌ای و عدم سیاست‌گذاری‌های پایدار به دلیل جابه‌جایی مدیران، عدم توجه دولت به سیاست‌های تشویقی و نظارت کامل به نیازهایی که در بطن جامعه هستند
	غلبه پوزیتیویسم در مطالعات جغرافیایی	غلبه کمیت‌گرایی در جغرافیا به‌جای مسائل کیفی و تفاوت کلان‌نگری دانشگاه‌ها با مسائل خرد و جزئی و کاربردی جامعه
	کالایی شدن دانش	فقدان آگاهی از ظرفیتهای تحصیلات تکمیلی و تکراری بودن مباحث، عدم تناسب پذیرش دانشجویان با نیازهای جامعه

مآخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه با توجه به مصاحبه‌های انجام گرفته، مقوله‌های محوری استخراج شده در پنج دسته شرایط علی، شرایط زمینه‌ای شرایط مداخله‌گر، عمل، تعامل یا راهبردها، پیامدها تشریح می‌گردد.

شرایط علی

غلبه پوزیتویسم

ویژگی عمده پوزیتویسم در آن است که علوم طبیعی را به مثابه منبع اصلی و یا تنها منبع شناخت محسوب کرده روش آن‌ها به علوم اجتماعی تسری داده و بر آن تفوق می‌بخشد (متقی و عبداللهی، ۱۳۹۲: ۸). بر این اساس در این دیدگاه روش علوم طبیعی و علوم انسانی یکی است و آن روش اثبات تجربی متکی بر استقراسات و به‌طورکلی اصحاب این روش ۱- معتقد به وحدت علم؛ ۲- تجربه‌گرایی (تأکید بر حواس به‌عنوان تنها و بهترین ابزار شناخت و به کاربردن روش استقرایی، تأکید بر مشاهدات و آمار عاری از نظریه)؛ ۳- عینی‌گرایی؛ ۴- فراغت ارزشی؛ ۵- ابزارگرایی؛ ۶- فن-گرایی؛ ۷- علم‌گرایی (استغنا از هر نوع تفکر غیرتجربی از قبیل فلسفه، متافیزیک، دین، اخلاق)؛ ۸- کمیت‌گرایی (تأکید و استفاده از ریاضیات و آمار و دقت کمی)؛ ۹- تعمیم داده‌ها و تلاش برای رسیدن به قانون می‌باشند (واثق و محمدی، ۱۳۹۹: ۷۵۳). این رویکرد در پی معرفت به فضای جغرافیایی از راه بنیان‌های تجربی و منطق ریاضی است. بر این اساس، جغرافیا دانشی عینی، مشاهده‌ای، کمی، استقرایی است و حاوی مشاهدات فارغ از نظریه و قضاوت‌های ارزشی است. هم‌چنین «غلبه کمیت‌گرایی در جغرافیا به‌جای مسائل کیفی» که در مصاحبه‌ها به آن تأکید زیادی شده است، نیز جدا افتادگی مطالعات دانشگاهی از مسائل واقعی جامعه که با عبارت تفاوت کلان‌نگری دانشگاه‌ها با مسائل خرد و جزئی و کاربردی جامعه از آن یاد شده، برآیند غالب بودن پوزیتویسم در جغرافیای دانشگاهی ایران است که در مطالعات مختلف (سقایی، ۱۳۸۵؛ وثاق و محمدی، ۱۳۹۹؛ رضویان و خزائی، ۱۳۹۰) به آن اشاره شده است. به‌عنوان مثال، نابسامانی‌هایی را که امروزه در شهرهای ایران مشاهده می‌کنیم ریشه در زمانی دارد که شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری ایران متأثر از مکتب پوزیتویسم سعی بر آن داشتند که مسائل، مشکلات شهری کشورمان را با الگوهای ریاضی، مدل‌هایی که توسط همکاران خود در کشورهای توسعه‌یافته ارائه شده بود حل کنند، غافل از این‌که مناسبات شهری در کشورهای مختلف کاملاً متفاوت است، و برای حل مسائل، مشکلات شهری در ایران باید الگوهای بومی استفاده شود (رضویان، خزائی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). البته مطالب گفته شده مسلماً ناقص پذیرش این نیست که «یک جنبه اساسی و مشخصه جغرافیا، نقش کار میدانی و سایر اشکال یادگیری تجربی در توسعه دانش و فهم است (آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی، ۱۳۹۸).

کالایی شدن دانش

افزایش کمی مراکز آموزش عالی که رشته جغرافیا را آموزش می‌دهند بدون در نظر گرفتن توسعه کیفی این مراکز (جدول ۳ و ۴ و شکل ۲)، تنها سیطره سرمایه‌داری سازمان‌نایافته در بطن علم جغرافیا سبب گردیده که این خود شکل‌گیری گونه‌ای از دانش سرمایه‌مدارانه، را در پیرامون علم جغرافیا رقم زده است. پیامد دانش سرمایه‌مدارانه در جغرافیا مدرک‌گرایی و اهمیت یافتن کسب مدرک به هر طریق ممکن است (سقایی، ۱۳۸۵: ۵۲۸). این چنین است که

۱۳۴. فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی - سال پانزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۲

فارغ از «ظرفیت‌های تحصیلات تکمیلی»، و بدون در نظر گرفتن نیازهای جامعه اقدام به پذیرش دانشجویان می‌شود (جدول ۴ تعداد دانشجویان جغرافیا را در مقاطع و دانشگاه‌ها نشان می‌دهد). چون هدف چرخش این بازار از نظر کمی است، به کیفیت مباحث تدریس شده توجهی نمی‌شود و «تکراری بودن مباحث» در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان از جمله مظاهر این افت کیفی محسوب می‌شود.

جدول ۳. رشته‌های موجود آموزش جغرافیا در مقاطع مختلف در کشور

Table 3: The existing fields of geography education at different levels in the country

مقطع	عنوان رشته	گرایش‌ها
کارشناسی	علوم جغرافیایی	آب و هواشناسی، ژئومورفولوژی، سنجش‌ازدور، جغرافیای سیاسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی
	آموزش جغرافیایی	-
کارشناسی ارشد	آب‌وهوا شناسی	سینوپتیک، تغییر اقلیم، آب و هواشناسی محیطی
	ژئومورفولوژی	نظری و آمایش محیط
	مخاطرات محیطی	طبیعی و انسانی
	آمایش سرزمین	-
	اکوتوریسم	-
	جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری	برنامه‌ریزی فضایی و مجتمع‌های گردشگری، گردشگری شهری، گردشگری روستایی
	سنجش‌ازدور	سیستم اطلاعات جغرافیایی، سنجش‌ازدور
	سنجش‌ازدور و ساج دفاعی و امنیتی	مطالعات دفاعی، مطالعات امنیتی
	جغرافیای سیاسی	آمایش سیاسی فضا، ژئوپولیتک، مطالعات ایران
	جغرافیای و دفاع مقدس	-
دکتری	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	آمایش شهری، محیط‌زیست شهری، برنامه‌ریزی مسکن و کارآفرینی شهری، کاربری اراضی و ممیزی املاک
	جغرافیای و برنامه‌ریزی روستایی	توسعه اقتصاد روستایی، برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی، مدیریت توسعه پایدار روستایی
	جغرافیای سیاسی	-
	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	-
	جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی	-
	آب و هواشناسی	-
	ژئومورفولوژی	-
	آمایش سرزمین	-
	گردشگری	حوزه تخصصی مدیریت، اقتصاد، فرهنگ

مآخذ: کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی وزارت علوم، ۱۳۹۸

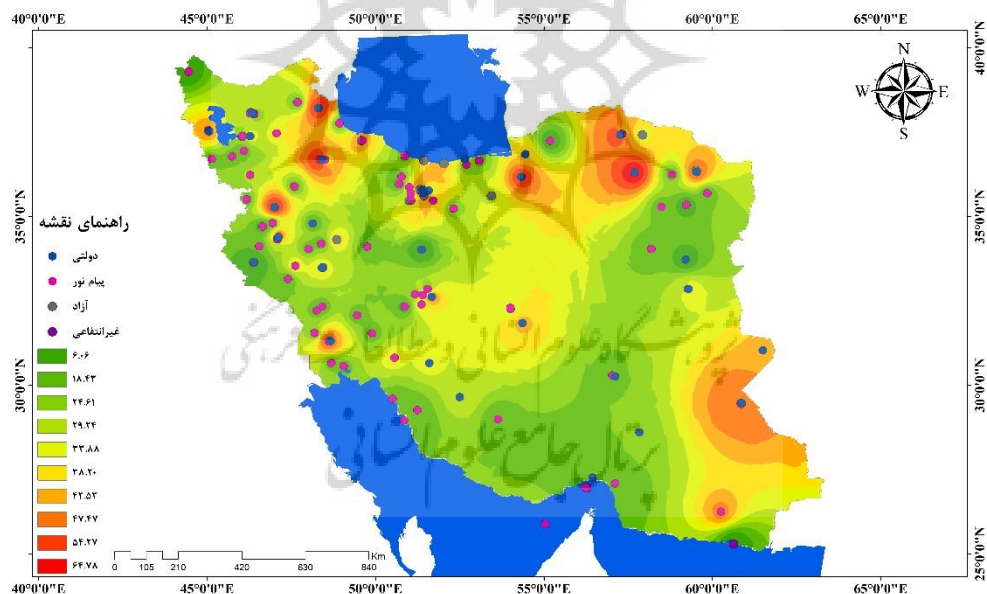
واکاوی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه با مدل داده بنیاد... ۱۳۵

جدول ۴. جمعیت دانشجویی رشته جغرافیای مقطع کارشناسی و بالاتر به تفکیک مقطع تحصیلی، جنس، نوع دانشگاه

Table 4: The student population of the undergraduate and higher geography majors by education level, gender, type of university

درصد	کل	دکتری		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کارشناسی		نوع و ایستگی			
		مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	
-	جمع												
۱۷/۵۶	۴۸۹۲	۳۰۳۱	۱۸۶۱	۱۲۷۷	۸۹۰	۳۸۷	۳۰۸۱	۱۷۶۵	۱۳۱۶	۵۳۴	۳۷۶	۱۵۸	دانشگاه آزاد اسلامی
۳۴/۷۸	۹۶۹۱	۴۳۴۹	۷۵۳۴۲	۷۵	۵۲	۲۲۳	۱۳۴۸	۱۲۷۴	۱۲۷۴	۶۹۹۴	۲۹۴۹	۴۰۴۵	دانشگاه پیام نور
۲/۲۵	۶۲۷	۴۱۶	۲۱۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۲۷	۴۱۶	۲۱۱	دانشگاه فرهنگیان
۰/۰۳	۷	۷	۰	۷	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	سایر دستگاه‌های اجرایی
۱/۷۱	۴۷۶	۲۱۶	۲۶۰	۳	۳	۰	۳۱۵	۱۵۲	۱۶۳	۱۵۸	۶۱	۹۷	موسسه آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی
۴۳/۶۸	۱۲۱۷۲	۴۸۳۴	۷۳۳۸	۱۴۶۴	۹۲۵	۵۳۹	۳۸۷۱	۱۸۰۱	۲۰۷۰	۶۸۳۷	۲۱۰۸	۴۷۲۹	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۱۰۰	۲۷۸۶۵	۱۲۸۵۳	۱۵۰۱۲	۲۸۲۶	۱۸۷۷	۹۴۹	۹۸۸۹	۵۰۶۶	۴۸۲۳	۱۵۱۵۰	۵۹۱۰	۹۲۴۰	کل

مأخذ: کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی وزارت علوم، ۱۳۹۸



شکل ۲. فراوانی رشته جغرافیا بر اساس تعداد دانشجو

Frequency of geography major by number of students

(این نقشه با روش IDW تهیه شده است. بر اساس راهنما، نقشه نشان می‌دهد پذیرش دانشجو در مناطق با رنگ قرمز بیشتر است و هر چه به سمت رنگ‌های نارنجی تا سبز پر رنگ برویم تعداد دانشجو در این مناطق پایین‌تر می‌باشد.)

نظام آموزش عالی در دهه‌های اخیر با گسترش ناموزون در بخش‌های مختلف همراه بوده است و گسترش کمی و غیر هدفمند تعداد دانشجویان و مراکز آموزش عالی، سبب غفلت از ابعاد کیفی آن شده است؛ به گونه‌ای که بدون توجه به نیازسنجی و شرایط جامعه، واحدهای دانشگاهی گسترش یافته و از این رو دچار توسعه نامتوازن و نامتناسب شده است. روندی که لزوم مطالعات آمایش آموزش عالی را در نیمه نخست دهه ۱۳۹۰ توسط وزارت علوم ضروری ساخت. با این حال، ادامه روند گذشته در توسعه کمی، نشان از عدم تأثیرگذاری خاصی در نتیجه انجام این طرح در رشته جغرافیا دارد. نقشه پراکندگی دانشگاه‌های دارای رشته جغرافیا، نشان دهنده همین امر در رشته جغرافیا می‌باشد. به گونه‌ای که بیشترین درصد پذیرش دانشجوی جغرافیا در دانشگاه‌های دولتی و پیام نور برابر با ۶۴,۷۸ درصد بوده که در شکل ۲ با رنگ قرمز و نارنجی نشان داده شده است. رنگ سبز کم رنگ در این شکل نشان دهنده دانشگاه‌های غیرانتفاعی و آزاد می‌باشد.

تمرکزگرایی و ضعف قوانین

یکی از پیامدهای جدی کالایی شدن دانش، که خود را هم در عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری که مربوط به بخش‌های دولتی است، و هم در جامعه ذینفعان، که بخش مهم آن‌ها، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها هستند، نشان می‌دهد «قوانین و ضوابط ارتقا و امتیاز در وزارت علوم و در نتیجه رواج مقاله‌گرایی» است. ضوابط تبدیل وضعیت و ارتقاء در دانشگاه‌ها، مانع مهمی در افزایش کیفیت پژوهش و آموزش در سال‌های اخیر محسوب می‌شود و علاوه بر این که تمرکز و زمان زیادی از استادان برای کسب امتیازهای لازم را به خود اختصاص داده است، روی کیفیت پژوهش‌ها نیز تأثیر زیادی گذاشته است. چرا که بسیاری از این پژوهش‌ها، در راستای نیازها، مسائل جامعه انجام نشده است. نگاه کنترلی و بالا به پایین دولت به دانشگاه‌ها که تحت تأثیر تمرکزگرایی فزاینده در کنار ضعف استقلال دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر افزایش یافته است، و در مراحل مختلف جذب، استخدام هیئت‌علمی و ابلاغ ضوابط و مقررات یکسان به همه دانشگاه‌ها خود را نشان می‌دهد، نیز از جمله عوامل علی روند شکاف بین دانشگاه و جامعه به صورت عام، و جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه محسوب می‌شود.

شرایط مداخله‌گر

عدم سیاست‌گذاری‌های پایدار دولت در راستای نیازهای جامعه

روندهای طی شده در سال‌های گذشته نشان داده که بخش‌های رسمی و تصمیم‌گیر، سیاست‌گذاری مشخص و راهبرد مورد اجماعی در تشویق در راستای جهت‌دهی به حل مسائل جامعه با کمک دانشگاه‌ها و نظارت بر آن نداشته‌اند، و این نبود راهبرد مشخص، باعث شده که مدیران و مسئولانی که معمولاً ثبات جایگاه ندارند، با اعمال سلیقه و اجرای سلیقه‌ای مقررات، عملاً تأثیرگذاری شایسته‌ای در این راستا نداشته باشند.

شرایط نامساعد اشتغال و تمایل به شغل دولتی

به دنبال مشکلاتی که در سال‌های اخیر به صورت عام، در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به بازار کار به وجود آمده است (برابر آمار سال ۱۴۰۰، ۳، ۴۰ درصد از بیکاران کشور، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده‌اند که این سهم در سال ۱۳۹۹ برابر با ۳۸،۹ درصد بوده است)، فارغ‌التحصیلان جغرافیا نیز از این شرایط نامساعد متأثر شده و نبود فرصت‌های شغلی برای این رشته و عدم جذب در شغل‌های مرتبط، از سویی تمیز قائل نشدن بین فارغ‌التحصیلان از نظر توانمندی علمی و عملی در جذب باعث شده که تمایلات برای ورود به این رشته کاهش یابد. به‌ویژه که به‌صورت فرهنگی در جامعه ایران، تمایل افراد به اشتغال در سازمان‌های دولتی و کسب مشاغل اداری به دلیل حس امنیت اقتصادی وجود دارد، شرایط بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز بر این تمایل افزوده است، هرچند که استخدام‌های دولتی نیز نسبت به گذشته با کاهش محسوسی مواجه شده است.

جایگاه نامناسب در ساختار اداری و استخدامی

در نتیجه عوامل علی گفته‌شده از جمله، غلبه پوزیتویسم و نیز کالایی شدن علم به‌طور عام و جغرافیا به‌طور خاص نگاه بخشی از بدنه جامعه در سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی به تحقیقات دانشگاهی غیرمثبت و همراه با عدم اعتماد است و در این میان بخشی از سازمان‌ها به رشته جغرافیا و تخصص جغرافی دانان نگاه مثبت ندارند. البته که این نگاه غیرمثبت نه از حیث ماهیت جغرافیا از نظر کاربردی بودن و توان حل مسائل جامعه داشتن، بلکه بخشی از آن به عدم اعتماد به دانش و مهارت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به‌طور عام برمی‌گردد و بخشی به عدم مشخص بودن ماهیت جغرافیا برای جامعه. به‌ویژه این‌که در نبود انسجام در بین بزرگان و اساتید تأثیرگذار جغرافیا در کشور، این رشته جایگاه مناسبی در سطح ملی نداشته و در نتیجه در ساختار اداری و استخدامی نیز جایگاه مناسبی ندارد، لذا فارغ‌التحصیلان علوم هم‌جوار جغرافیا در بازار کار بهتر جذب می‌شوند.

مشکلات اقتصادی و ضعف‌های زیرساختی

از دیگر شرایط مداخله‌گر در زمینه علل شکاف جغرافیایی دانشگاهی و نیازهای جامعه، تحولات سریع اقتصادی و تفاوت شرایط زیست در جامعه است که روند تأثیرگذاری عوامل علی گفته‌شده در دهه‌های گذشته، سبب شده تا زیرساخت‌های مناسب برای پیوند هرچه بیشتر دانشگاه‌ها و جامعه، چه در سازمان‌ها و چه در دانشگاه‌ها ایجاد نشود. لذا عقب‌افتادگی دانشگاه‌ها در حل مشکلات جامعه بیشتر شود، آن‌هم در شرایطی که ماهیت علمی دانشگاه‌ها با انتظارات جامعه جفت‌وجور نیست.

شرایط زمینه‌ای:

به‌روز نبودن سرفصل‌ها

همان‌طور که گفته شد، شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگونند. وقتی دانش به کالا تبدیل می‌شود و در مطالعات جغرافیایی پوزیتویسم غلبه پیدا می‌کند، هم آموزش و هم پژوهش در دانشگاه‌ها کژ کارکرد شده و بنابراین، منابع درسی با نیازهای جامعه تناسبی ندارد و به‌روز نیست. از سویی، به دلیل مشغولیت استادان دانشگاه به اجرایی نمودن آیین‌نامه‌ها و ضوابط کمی ابلاغ‌شده در راستای ارتقاء و تبدیل وضعیت، فاصله بین استادان با اولویت‌ها و مسائل جامعه بیشتر می‌شود.

ضعف آموزش‌ها در مهارت‌افزایی دانشجویان

آموزش در جغرافیا مستلزم تعامل فعال با دنیای خارج است. جغرافی‌دانان توانایی کار بر روی طیف وسیعی از تحقیقات کاربردی را دارند. دانشجویان علاوه بر یادگیری «درباره» جغرافیا، «از طریق» جغرافیا نیز یاد می‌گیرند. توجه به مهارت‌ها باعث تسهیل عملکرد تحصیلی، آینده شغلی و کمک به جامعه گسترده‌تر می‌شود (آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی، ۱۳۹۸). یکی دیگر از جلوه‌های همگام نبودن مسیر آموزش و پژوهش دانشگاه با نیازهای جامعه در جغرافیا، ضعف آموزش‌های دانشگاهی در مهارت‌افزایی دانشجویان و ضعف دانشجویان در مهارت‌های نرم‌افزاری و تجزیه و تحلیل آماری است که بخشی از آن ناشی از کمبود دروس عملی بخصوص در دوره تحصیلات تکمیلی است. شرایط مداخله‌گر پیش‌گفته، از جمله مشکلات اقتصادی و ضعف زیرساخت‌ها، گروه‌های جغرافیا را در معرض کمبود امکانات آزمایشگاهی و تجهیزات و به‌ویژه محدود شدن سفرهای علمی جهت درک بهتر دانشجویان از مسائل متنوع جغرافیایی شده است. بعد مهارت‌ها به بهترین وجه در ارتباط با برنامه درسی مبتنی بر دانش برنامه‌ریزی می‌شود به طوری که رابطه بین این دو مورد توجه دقیق قرار می‌گیرد. مهارت‌ها در چارچوب برنامه درسی متوازن، منسجم و پیش‌رونده آموزش داده می‌شوند، تمرین می‌شوند و ارزیابی می‌شوند، به طوری که سطح چالش‌ها و موفقیت‌ها به تدریج افزایش می‌یابد و دانشجویان را به مرزهای تحقیق می‌برد (آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی، ۱۳۹۸).

عمل، تعامل‌ها یا استراتژی‌ها:

در پاسخ به شرایطی که متأثر از کالایی شدن دانش به صورت عام، کالایی شدن جغرافیا به صورت خاص در ایران اتفاق افتاده است، عمل، تعامل‌هایی که افراد به کار می‌برند، خود را در کنش‌هایی مانند اعمال سلاقی شخصی مدیران تمایل بیشتر به اشتغال در سازمان‌های دولتی در فارغ‌التحصیلان، یا کانالیزه شدن استادان دانشگاه در قالب ضوابط تبدیل وضعیت و ارتقاء نشان می‌دهد که این موارد، پیش‌ازاین توضیح داده شد.

پیامدها:

ضعف ارتباطات آموزشی، پژوهشی دانشگاه‌ها و سازمان‌ها

از پیامدهای مهم روند گفته شده به صورت کلی ضعف ارتباطات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با بخش‌های مختلف جامعه است. این ضعف ارتباط هم در بخش آموزش برای نزدیک کردن مباحث دانشگاهی و سرفصل‌ها در جهت افزایش مهارت‌های کاربردی در راستای اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان، هم در بخش پژوهش به منظور حرکت به سمت نیازها و حل مسائل واقعی جامعه به چشم می‌خورد. این روند به صورت خاص برای جغرافیا سبب نزول جایگاه این رشته به جهت کاربردی بودن و رتبه نامناسب در ساختار اداری و استخدامی چه در بخش دولتی و چه بخش خصوصی شده است.

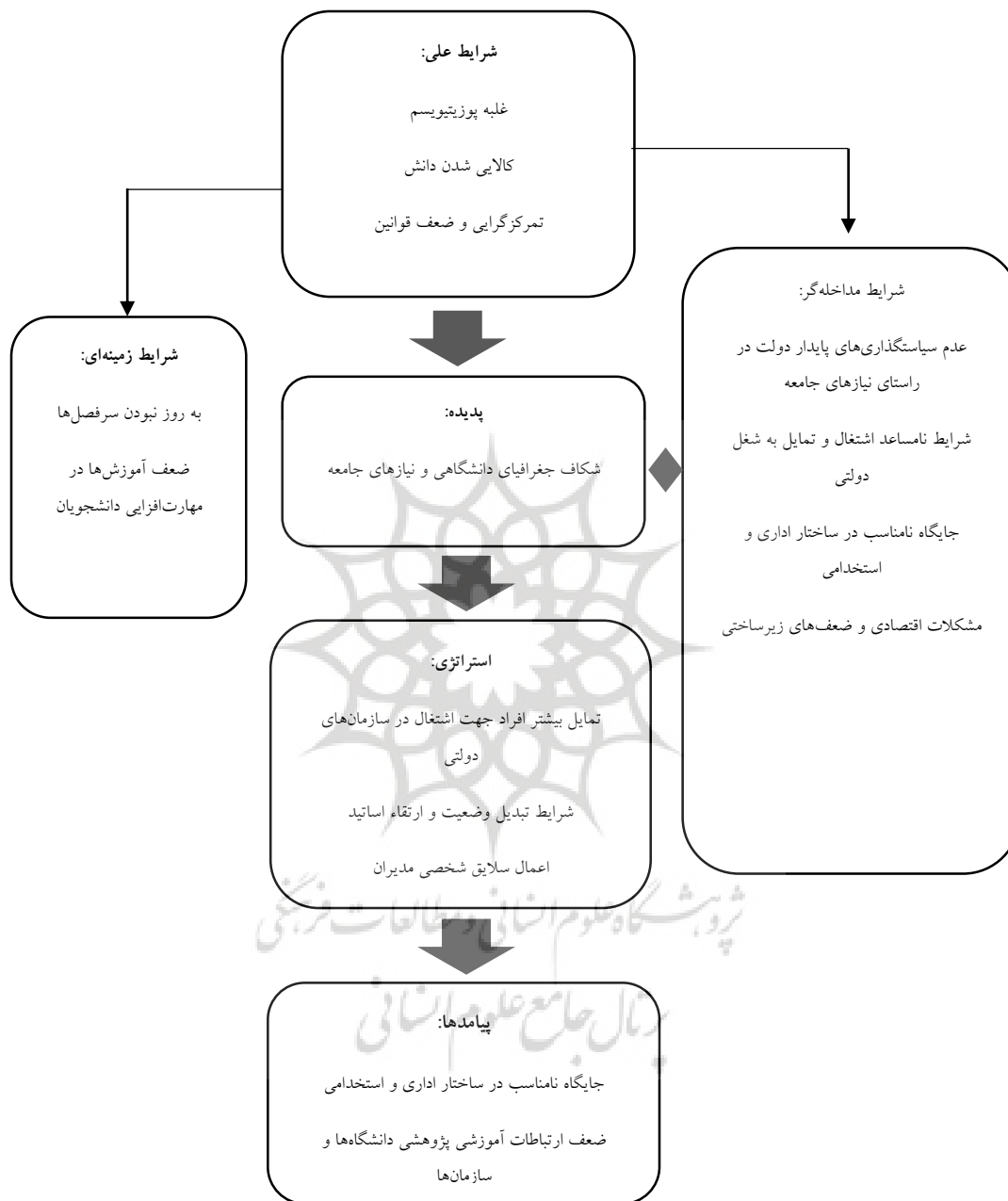
بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به انتقادهایی که از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از جمله جغرافیا می‌شود که از کارایی لازم در شرایط واقعی اشتغال برخوردار نیستند، هم‌چنین پژوهش‌های جغرافیایی با نیازهای واقعی جامعه هم‌راستا نیستند، لذا احساس شکافی که در این مورد اظهار می‌شود، مبنایی شد تا هدف از این پژوهش بررسی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه باشد. در این راستا تلاش گردید با استفاده از مدل داده بنیاد، و با تکیه بر مدل تریپل هلیکس، شکاف‌های موجود و چرایی فاصله بین دانش جغرافیا در دانشگاه‌ها و نیازهای جامعه مشخص شود. لذا ضمن مصاحبه با ۳۰ تن از اساتید، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان شاغل رشته جغرافیا و کدگذاری آن‌ها و نیز با در نظر گرفتن شرایط پنج‌گانه (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها) در رابطه با پدیده مورد مطالعه، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به هر یک از این شرایط متناسب و تشریح شد. هم‌چنین نتایج نشان داد که از بین ۹۴ مفهوم شناسایی شده در مصاحبه‌ها، در مراحل مختلف کدگذاری، به ۳۲ مقوله، در نهایت به ۱۰ مقوله اصلی کاهش یافت. در این بین، مقوله مرکزی یا هسته، به عنوان کلایی شدن دانش، هم آموزش و پژوهش شناسایی گردید. مقوله‌ای که توان تفسیری مناسب را برای در برگرفتن شرایط پنج‌گانه گفته شده، و علل شکاف جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه را دارا می‌باشد. دانش کلایی یعنی دانشی که در خدمت منافع خصوصی قرار می‌گیرد و ممکن است این منافع خصوصی در خدمت دولت باشد (قانع‌راد، ۱۳۹۵). وقتی آموزش کلایی می‌شود، مثل دیگر کالاها، دیگر صرف نیاز اهمیت ندارد و این تقاضا است که اهمیت پیدا می‌کند، و وقتی که آموزش عالی کلایی می‌شود، یگانه و تنها قطب‌نمای رفتار عرضه و تولیدکنندگان آموزش عالی سنج سود اقتصادی است (مالجو، ۱۳۹۵).

کلایی شدن دانش و دانشگاه، در کنار فرایندهای دیگری که تقاضای آموزش و مدرک‌گرایی را در جامعه افزایش می‌دهند، کمیت‌گرایی را تقویت می‌کند. در شرایطی که متقاضیان دانشگاه‌ها برای کسب مدرک، در کنار آن مقررات

دانشگاه‌ها در خصوص ارتقاء استادان به سمت کمیت‌گرایی و افزایش تعداد مقالات گرایش پیدا می‌کند، در نتیجه در رشته‌های مختلف، از جمله جغرافیا، کیفیت آموزش و پژوهش که دو بال دانشگاه‌ها هستند، کاهش می‌یابد. به‌ویژه این‌که در سیستم تمرکزگرایی که قوانین متناسب با شرایط روز اصلاح نمی‌شود، و سیاست‌گذاری پایداری در راستای جهت‌دهی دانشگاه‌ها به سمت حل مسائل واقعی جامعه وجود ندارد، از سوی دیگر، شرایط نامساعد اقتصادی و در اولویت نبودن علم و پژوهش، باعث ضعف‌های زیرساختی در دانشگاه‌ها و نیز در سازمان‌ها می‌شود. این نیز خود منجر به کاهش ارتباط بین دانشگاه و جامعه می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد، و بنا بر سه ضلع اصلی مدل تریپل هلیکس، نقش دولت بیشتر در شرایط مداخله‌گر و علی قابل‌مشاهده است، جامعه بیشتر در شرایط مداخله‌گر خود را نشان می‌دهد و شرایط زمینه‌ای درون دانشگاه منجر به اتخاذ استراتژی‌هایی می‌شود که پیامدهای خاصی به دنبال دارد. اثر کلایی شدن علم به‌طور عام، و کلایی شدن جغرافیا به‌طور خاص، که در چرخه‌ای از عوامل علی اشاره‌شده گرفتار شده است، و از سویی عوامل مداخله‌گر و زمینه‌سازی همچون جایگاه نامناسب جغرافیا در ساختار استخدامی کشور، عدم اعتماد و اعتقاد به پژوهش در حوزه اجرایی و عملیاتی، به‌روز نبودن سرفصل‌ها، ضعف آموزش مهارت‌ها و مهارت‌آموزی دانشجویان جغرافیا، باعث ضعف کیفی جریان آموزش از یک‌طرف، و نداشتن بازار کار رشته جغرافیا، و اقبال بیشتر بخش‌های دولتی و غیردولتی به رشته‌های هم‌جوار با جغرافیا و غیره شده است. شکل ۲ مدل پارادایمی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی با نیازهای جامعه را نشان می‌دهد.

جغرافیا، و اقبال بیشتر بخش‌های دولتی و غیردولتی به رشته‌های هم‌جوار با جغرافیا و غیره شده است. شکل ۲ مدل پارادایمی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی با نیازهای جامعه را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل پارادایمی علل شکاف جغرافیای دانشگاهی با نیازهای جامعه

Figure 2: A paradigmatic model of the causes of the gap between academic geography and society's needs

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج این پژوهش همان‌طور که فراستخواه (۱۳۹۱) اشاره می‌کند، به ما کمک می‌کند که علل شکاف بین دو جغرافیای دانشگاهی و خروجی آن، با نیازهای جامعه، با توجه «نگرش‌ها و تجربه‌های زیسته کنشگران و ذینفعان نظام علمی ایران و شرایط و موقعیت خاص این جامعه درک کنیم». نتایج یافته‌های صادقی (۱۳۹۳) که جغرافیا را از نظر هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی به ترتیب دچار سه آسیب می‌داند: فضای جغرافیایی به فضای عینی فرو کاسته شده است؛ جغرافیا بر فلسفه تحلیلی تکیه‌بر؛ و تنها بر روش تجربی- تحلیلی پافشاری کرده، نیز بر مبنای یافته‌های این پژوهش قابل تأیید و هم‌راستاست. با توجه به غلبه پوزیتیویسم در جغرافیا و روند کالایی‌شدن علم به‌طور کلی، سه آسیب اشاره‌شده قابل‌پذیرش است، باعث کاهش کیفیت آموزش و پژوهش، گیرافتادن جغرافیای دانشگاهی در چرخه عوامل علی و مداخله‌گر و زمینه‌ای‌شناسایی‌شده در این پژوهش گردیده است. در راستای کم کردن شکاف بین جغرافیای دانشگاهی و نیازهای جامعه، و با توجه به سه ضلع اصلی مدل تریپل هلیکس می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- اصلاح قوانین و مقررات مربوط به دانشگاه‌ها با تأکید بر استقلال آن‌ها، افزایش کیفیت، و کاهش روند کالایی شدن دانش.
- اصلاح سرفصل‌های دروس جغرافیا در کاهش تسلط تفکرات پوزیتیویستی، در راستای نیازهای جامعه، افزایش مهارت‌های دانشجویان.
- تقویت جایگاه رشته جغرافیا در ساختار اداری و استخدامی دولتی.
- افزایش اعتبارات پژوهشی دستگاه‌های دولتی و الزام آن‌ها در بهره بردن از نتایج تحقیقات دانشگاهی در تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها و اقدامات در راستای جلوگیری از تصمیم‌گیری سلیقه‌ای در امور مربوط به منابع عمومی از طرف مدیران و مسئولان.

منابع فارسی

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت ام. (۱۳۸۶). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنايي، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه محمدی، بیوک، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر؛ ابوالقاسمی، محمود، قهرمانی، محمد. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هشتم، شماره ۴، صص ۱۳۹-۱۷۱.
- انتظاری، یعقوب. (۱۳۹۵). آموزش عالی و قابلیت‌های اشتغال فارغ التحصیلان. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۳۱.
- پرداختچی، محمدحسن؛ بازرگان، عباس، آراسته، حمیدرضا، مظفری، گشتاسب (۱۳۹۱). شکاف پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌ها از دیدگاه جامعه علمی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۳.
- آژانس تضمین کیفیت برای آموزش عالی. (۱۳۹۸).
- جعفرنژاد، احمد؛ مهدوی، عبدالحمید، خالقی سروش، فریبا. (۱۳۸۴). بررسی موانع و ارایه راهکارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران. دانش مدیریت، شماره ۷۱، صص ۶۲-۴۱.
- حاتمی‌فر، خدیجه؛ کاکو جوبیاری، علی‌اصغر، سرمدی، محمدرضا. (۱۳۹۲). مطالعات رضایت‌مندی دانشجویان از ارائه خدمات در دانشگاه پیام نور. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۹(۴)، ۱۱۷-۱۳۹.
- حیدری، زهرا؛ محمدی، رضا. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت خدمات آموزش دانشگاه علم و فرهنگ براساس مدل سروکوآل از دیدگاه دانشجویان. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵(۱۱)، ۱۱۹-۱۴۲.
- دانشگاه فردوسی مشهد. (۱۳۹۳). آشنایی با کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین. نشریه داخلی معاونت طرح و برنامه. شماره ۵۵.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید، ربانی، رسول، ادیبی سده، مهدی، افقی، نادر. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی شیوه‌های تولید علم؛ تاملی در رویکردهای نوین. تحقیقات فرهنگی، سال ۴، شماره ۴، پیاپی (۱۶).
- رضویان، محمدتقی؛ خزائی، مصطفی. (۱۳۹۰). اثرات پوزیتیویسم منطقی بر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری نمونه شهرهای ایران از سال‌های (۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰). فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم انداز زاگرس، سال سوم، شماره ۱۰.
- رمضانی، رضا. (۱۳۹۵). مشکلات کنونی دانشگاه‌ها و نظام توسعه علمی کشور. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، سال ۸، شماره ۳.
- سقایی، مهدی. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی علم جغرافیا در ایران (مطالعه موردی: گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی). کنگره ملی علوم انسانی.

- صادقی، مجتبی. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی فلسفی دانش جغرافیا (درنگی در پژوهش‌های شهری). روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۰(۸۰)، ۷۸-۵۵.
- ضرغامی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). مروری بر الگوهای توسعه روابط دانشگاه، صنعت و دولت در جهت ارتقای نوآوری. سیاست‌نامه علم و فناوری، ۸(۲)، ۱۱۲-۱۰۳.
- فائض، علی؛ شهابی، علی. (۱۳۸۹). ارزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت (مطالعه موردی شهرستان سمنان). فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۴(۲)، ۹۷-۱۲۴.
- فتح‌اللهی، احمد؛ یمنی، محمد، صباغیان، زهرا، فراستخواه، مقصود، قاضی طباطبایی، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی. سیاست علم و فناوری، دوره ۷، شماره ۱، صص ۲۷-۴۲.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی آموزش عالی و چالش‌های میان رشته‌ای شدن. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱(۱)، ۷۹-۵۵.
- قاسمی، حمید. (۱۴۰۰). مرجع پژوهش، چاپ دوم، ویراست هجدهم، تهران: اندیشه آرا.
- قاسمی‌راد، علیرضا. (۱۳۹۸). بررسی مشکلات دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و ارائه راه‌حل مناسب. پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳۸.
- قانع‌راد، محمد امین؛ مالجو، محمد. (۱۳۹۵). گزارش نشست «نقد کلایی شدن دانش».
- کیانی طالقانی، ناهید؛ زین‌آبادی، حسن رضا، آراسته، حمیدرضا، عباسیان، حسین. (۱۳۹۸). تاملی بر علل موثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی. آموزش عالی ایران، شماره ۴۱.
- متقی، ابراهیم؛ عبداللهی، حسین. (۱۳۹۲). پوزیتیویسم منطقی و موضع انتقادی هابرماس بر آن. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۲)، ۱۶-۷.
- مقدسی، ملیحه؛ مقدسی، پیام، بیجنیدی، محمدصادق. (۱۳۹۴). تحلیلی بر وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و علل عدم جذب آنان. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- مهدوی مزده، محمد؛ بانک، مائده، زاهدی، محمدرضا، پورمسگری، مجید. (۱۳۹۲). تعیین شاخص‌های تاثیرگذار در کارآفرین بودن دانشگاه‌های دولتی ایران و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از این منظر. سیاست علم و فناوری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۱-۹۸.
- واثق، محمود؛ محمدی، احد. (۱۳۹۹). نقد مبانی معرفتی مکتب پوزیتیویسم با تأکید بر علم جغرافیا. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۲(۲)، ۷۳۳-۷۵۸.

References

- Amiri Farahabadi, J., Abolghasemi, M., Ghahrani, M. (2017). Pathology of the political research process in Iran's higher education system, a qualitative study. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Human Sciences*, Volume 8, Number 4, pp. 139-171. (In persian)
- Cooke, P., Uranga, M. and Etxebarria, G. (1997). Regional innovation systems: institutional and organizational dimensions. *Research Policy*, 26 (4/5): 475-91.
- Dye, T. R. (2016). *Understanding Public Policy* (15 ed). New York: Pearson. (In persian)
- Etzari, Y. (2017). Higher education and employability of graduates. *Higher Education Research and Planning Institute*, number 31. (In persian)
- Etzkowitz, H. (2000). The future of the university and the university of the future: evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm. *Research Policy*, 29,313-330.
- Faiz, A., Shahabi, A. (2010). Evaluation and prioritization of barriers to university-industry communication (case study of Semnan city). *Educational Leadership and Management Quarterly*, 2(4), 97-124. (In persian)
- Farinha, L., Ferreira, J., Gouveia, B. (2014). Networks of Innovation and Competitiveness: A Triple Helix Case Study. *Journal of the Knowledge Economy*, 1-17.
- Farstakhah, M. (2014). Higher education planning and interdisciplinary challenges. *Educational Planning Studies Quarterly*, 1(1), 55-79. (In persian)
- Fethollahi, A., Yemeni, M., Sabaghian, Z., Farastkhah, M., Gazi Tabatabai, M. (2016). Content analysis of higher education development programs with a focus on structural and functional changes in the independence of the academic system. *Science and Technology Policy*, Volume 7, Number 1, pp. 27-42. (In persian)
- Ghasemi, H. (2021). *Research reference*. second edition, 18th edition, Tehran: Andishe Ara. (In persian)
- Hatami Far, K., Kaku Jubiari, A. A., Sarmadi, M. R. (2014). Studies on students' satisfaction with the provision of services at Payam Noor University. *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 19(4), 117-139. (In persian)
- Heydari, Z., Mohammadi, R. (2016). Evaluation of the quality of education services of the University of Science and Culture based on the Sercoal model from the students' point of view. *Educational Measurement and Evaluation Quarterly*, 5(11), 119-142. (In persian)
- Jafaranjad, A., Mahdavi, A., Khaleghi Soroush, F. (2005). Examining obstacles and providing solutions for the development of mutual relations between industry and university in Iran. *Knowledge of Management*, No. 71, pp 41-62. (In persian)
- Jimoh, O. A. and Danlami Sani, A. (2012). European. *Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, ISSN 1450-2275 Issue 32.
- Kiai Taleghani, N., Zainabadi, H. R., Arasteh, H., R., Abbasian, H. (2020). A reflection on the causes affecting the occurrence of skewed research functions in universities and higher education institutions. *Iran's higher education*, No. 41. (In persian)
- Mahdavi Mazdeh, M., Bank, M., Zahedi, M. R., Pourmasgari, M. (2014). Determining the indicators influencing the entrepreneurship of Iran's state universities and ranking universities from this point of view. *Science and technology policy*, Volume 6, Number 1, pp. 81-98. (In persian)
- Moghdisi, M., Moghdisi, P., Bijandi, M. S. (2015). An analysis of the job status of university graduates and the reasons for their lack of recruitment. *The second international conference on new researches in management, economics and humanities*. (In persian)
- Motaghi, I., Abdullahi, H. (2013). Logical positivism and Habermas's critical position on it. *Iranian Social Development Studies*, 5(2), 16-7. (In persian)

- Parshakov, P., Parshakov, P., Shakina, E.A., & shakina, E.A. (2018). With or with-out CU:a comparative study of efficiency of European and Russian corporate universities. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 19 (1).
- Payer, M. H., Bazargan, A., Arasteh, H. R., Mozafari, G. (2012). The external accountability gap of universities from the point of view of the scientific community. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 63. (In persian)
- Qanei Rad, M. A., Maljo, M. (2016). Report of the meeting Criticism of the commodification of knowledge. (In persian)
- Rabbani Khorasgani, A., Ghasemi, V., Rabbani, R., Adibi Sadeh, M., Horizi, N. (2011). sociological analysis of science production methods; A reflection on new approaches. *Cultural research*, year 4, number 4 consecutively (16). (In persian)
- Ramezani, R. (2017). Current problems of universities and scientific development system of the country. *Iranian Higher Education Research Quarterly*, Year 8, Number 3. (In persian)
- Razak, A. A., & Saad, M. (2007). The role of universities in the evolution of the Triple Helix culture of innovation network: The case of Malaysia. *International Journal of Technology Management & Sustainable Development*, 6(3): 211-225.
- Razovian, M. T., Khazaei, M. (2011). The effects of logical positivism on geography and urban planning of Iranian cities from the years (1921 to 2011). *Zagros landscape geography and urban planning quarterly*, third year, number 10. (In persian)
- Rhodes, F. (2004). Reinventing the university. In: Weber LE, Duderstadt JJ. Editors. *Reinventing the University*. London: *Economica*:3-13.
- Sadeghi, M. (2014). Philosophical pathology of geography knowledge (delay in urban researches). *Humanities methodology*, 20(80), 55-78. (In persian)
- Saqaki, m. (2006). Pathology of geography in Iran (case study: Department of Geography, Ferdowsi University. *National Humanities Congress*. (In persian)
- Strauss, A., Corbin, J. (2008). Principles of qualitative research method, basic theory, procedures and methods. Translated by Mohammadi, Buick, Tehran: *Publishing House of Human Sciences and Cultural Studies*. (In persian)
- Wathiq, M., Mohammadi, A. (2020). Criticism of the epistemological foundations of the positivism school with an emphasis on the science of geography. *Researches of human geography*, 52(2), 733-758. (In persian)
- Zargham, H. (2018). An overview of the development patterns of university, industry and government relations in order to promote innovation. *Science and technology policy*, 8(2),103- 112. (In persian)

Investigating the causes of the academic geography gap and society's needs with the grounded theory model

Rouhollah Asadi*

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Hanyieh Iaghaya

Master student of Geography and Urban Planning, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract

1. Introduction

Entrepreneurial universities emerged in the second half of the 20th century as the third generation with the aim of training entrepreneurial human resources and connecting with industry, and providing opportunities for student employment is one of the important missions of universities. According to some criticisms which are university graduates, including geography, who are not aware of the necessary efficiency in real employment conditions, and geographical researches are not in line with the real needs of the society, so the feeling of gap expressed in this case became the basis for the aim of this research to investigate the causes of the gap academic geography and community needs. In this regard, by using the grounded theory model, and relying on the triple helix model, it was tried to determine the existing gaps and why there is a gap between the knowledge of geography in universities and the needs of the society.

2. Research Methodology

The approach of this research is of inductive qualitative type, based on grounded theory model. Grounded theory is a theory that is directly extracted from the data that has been regularly collected and analyzed during the research. The statistical population included professors, students, and graduates of geography. The data collection method is in the form of interviews and includes 30 interviews with geography professors and graduates in Mashhad. The criteria of sampling and theoretical saturation and the selection of samples have been continued until the contents of the interviews of the listeners were repeated and the additional data did not help to complete and define a theoretical category and the interviews seemed similar. The interview focused on these questions: Is there a gap between academic geography and the needs of society? If yes, what are the gaps or challenges and what are the reasons? After the end of the interview process, based on the considered method, the data in three stages and separately It was coded by the authors of the article and verified in terms of accuracy in the selection of concepts and categories. In the initial coding, 94 concepts were identified, which were summarized to 32 concepts in the open coding stage after removing commonalities and aggregating them. Open coding is an analytical process with which concepts are identified and their characteristics and dimensions are discovered in the data. These 32 concepts were reduced to 10 categories in axial coding, which is the process of relating categories to subcategories, and finally became a central category, and the story line was formed by analyzing the categories based on the central category in selective coding.

3. Results and Discussion

The results showed that among the 94 concepts identified in the interviews, in different stages of coding, it was reduced to 32 categories and finally to 10 main categories. In between, the central category or core was identified as the commodification of knowledge, both education and research. A category that has the appropriate interpretation power to include the five

mentioned conditions, and the causes of the gap in academic geography and the needs of society. Commodity knowledge means knowledge that serves private interests, and these private interests may serve the government. When education becomes a commodity, like other commodities, need is no longer important and it is the demand that becomes important, and when higher education becomes a commodity, the only guide for the behavior of supply and producers of higher education is the measure of economic profit.

The commodification of knowledge and universities, along with other processes that increase the demand for education and qualifications in society, strengthens quantification. In a situation where the applicants of the universities to obtain a degree, and besides that, the regulations of the universities regarding the promotion of the professors tend towards quantification and increasing the number of articles, as a result, in various fields, including geography, the quality of education and research that are two wings of Universities are reduced. In particular, in the system of centralism, where the laws are not amended according to the current conditions, and there is no sustainable policy in the direction of the universities to solve the real problems of the society, on the other hand, the unfavorable economic conditions and the lack of priority of science and research cause there are infrastructural weaknesses in universities and organizations. This also leads to a decrease in the relationship between the university and society.

4. Conclusion

According to the findings of the article, and according to the three main sides of the triple helix model, the role of the government can be seen more in interventionist and causal conditions, society shows itself more in interventionist conditions, and the background conditions inside the university lead to the adoption of strategies. It can have certain consequences. The effect of generalization of science in general, and the commodification of geography in particular, which is caught in a cycle of the mentioned causal factors, and on the other hand, intervening and grounding factors such as the inappropriate position of geography in the employment structure of the country, lack of trust and belief in research in the executive and operational field, the lack of up-to-date topics, the weakness of teaching the skills and skills of geography students, causes the quality of the education flow on the one hand, and the lack of a job market for the field of geography, and the preference of government and non-government sectors for fields. It is connected with geography.

Keywords: Academic geography, society's needs, grounded theory model, triple heli model

* (Corresponding Author) asadir@ferdowsi.um.ac.ir